

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی بیشتر آیه 34 سوره نساء

بحث در بررسی آیه شریفه 34 سوره نساء بود، که می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».

تبیین آیه 32 سوره نساء

برای روشن شدن این آیه‌ی شریفه - آن مقدار که توانایی بر فهم این آیه‌ی شریفه است -، به نظر می‌رسد که آیات قبلی، خصوصاً آیه 32 در فهم این آیه‌ی 34 نقش داشته باشد. آیه‌ی 32 این است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛ آنچه را که خداوند به وسیله‌ی او بعضی از شما بر بعض دیگر را برتری داده آن را آرزو نکنید. برای مردان نصیبی است از آنچه که به دست می‌آورند و همچنین برای زنان نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند.

بعد در آخر آیه بعد از اینکه می‌فرماید اگر دیدید خدا به یک کسی فضیلتی داده، شما نگویید که ای کاش این فضیلت مال او نبود و مال من بود، به صورت قاعده‌ی کلی می‌فرماید: «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛ فضل خدا که محدود نیست، اگر خداوند به بعضی یک فضلی را عنایت فرموده، شما هم از فضل خدا مسئلت کنید. حالا مناسب است به شأن نزول آیه‌ی سی و دوم هم توجهی شود.

شأن نزول آیه 32

شأن نزول: سه شأن نزول برای این آیه‌ی 32 ذکر شده است.

یکی این است که زنی آمد خدمت پیامبر(ص) عرض کرد: «یا رسول الله أليس الله رب الرجال والنساء وأنت رسول الله إليهم جميعاً فما بالنا يذكر الله الرجال ولا يذكرنا نخشى أن لا يكون فينا خير ولا لله فينا حاجة»؛ آیا خداوند پروردگار مردان و زنان با هم نیست؟ آیا شما رسول خدا هم برای مردان و هم برای زنان جمیعاً نیستید؟ چرا خداوند نسبت به مردان توجه بیشتری دارد

اما نسبت به زن‌ها ندارد. سپس این آیه نازل شد.

شأن نزول دومی که ذکر شده، از أم سلمه است که به پیامبر(ص) عرض کرد: «یا رسول الله یغزو الرجال و لا تغزو النساء، و إنّما لنا نصف المیراث! فلیتنا رجال و نغزو و نبغ ما یبلغ الرجال»؛ مردان جنگ می‌کنند و زن‌ها جنگ نمی‌کنند و سهم ما در ارث، نصف است. ای کاش ما مرد بودیم، جنگ می‌کردیم و آنچه که مردها به او رسیدند ما هم به آن می‌رسیدیم. این هم شأن نزول دومی که ذکر شده است.

شأن نزول سوم؛ این است که فقط آیه‌ی ارث نازل شد که «[لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِیِّنَ](#)»، مردها این را گفتند: «إنا لنرجو أن نفضل على النساء بحسناطنا في الآخرة فيكون أجرنا على الضعف من أجر النساء كما فضلنا عليهن في المیراث»، ای کاش به جای اینکه خداوند در دنیا در ارث، سهم ما را دو برابر زن‌ها قرار داده، در آخرت حسنات ما را دو برابر حسنات زن‌ها قرار می‌داد.

«و قالت النساء: إنا لنرجو أن يكون الوزر علينا نصف ما على الرجال في الآخرة، كما لنا المیراث على النصف من نصیبهم في الدنيا»؛ زن‌ها هم گفتند حالا که خدا در میراث سهم ما را نصف مردها قرار داده، ای کاش گناهان ما و وزر ما را هم نصف مردها قرار می‌داد، یعنی دو گناه ما به اندازه یک گناه مرد شود. وقتی گناه زن نصف شود، معنایش این است که دو گناه زن به اندازه‌ی یک گناه مرد شود.

اینها چیزهایی است که در شأن نزول آیه آمده است. حالا ببینیم اولاً آیا می‌توان بین اینها جمع کرد، هم أم سلمه این حرف را زده باشد و هم مردها این آرزو را کرده باشند و نیز سایر اقوال.

آیه آمده است که «[وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ](#)»، معنای آیه چیست؟ در معنای آیه دو احتمال نقل شده است، یک احتمال این است که این تمنّی حرام است. تمنّی یعنی چه؟ یعنی «لا یقول أحدهم لیت ما أعطي فلان المال و النعمة و المرأة الحسنی کان لی»، اگر کسی بگوید ای کاش آن مالی که خدا به فلانی داده بود به من می‌داد، «فإن ذلک یكون حسداً»، این می‌شود حسد، بعد گفته‌اند به جای اینکه بگوید که آن مال را خدا به من بدهد «[وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ](#)» بگوید خدایا مثل او را هم نصیب من قرار بدهد. این یک نوع تمنّی که این تمنّی حرام است.

نوع دوم تمنّی این است که مردها تمنّی می‌کردند که زن بودند، زن تمنّی کند که مرد باشد، این هم حرام است.

ما از آیه 32 می‌خواهیم برای آیه‌ی 34 به عنوان یک قرینه استفاده کنیم. آیه 34 که دیروز هم خواندیم «[الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ](#)» ما «قوام» را معنا کردیم و گفتیم با توجه به متعلقش از «قوام» کلمه‌ی سلطنت و سطه فهمیده نمی‌شود. اگر ما باشیم و همین قسمت آیه.

اما برخی از بزرگان کما اینکه از کلام مرحوم علامه طباطبایی استفاده می‌شود، فرموده‌اند از این تعلیلی که در دنباله‌ی آیه آمده، یک اطلاق تامی استفاده می‌کنیم؛ دائره‌ی این اطلاق خصوص زوجیت نیست، مطلق رجال برای مطلق نساء است.

دقت کنید؛ ما اگر قوام را به معنایی که دیروز گفتیم، گرفتیم که قوام یعنی «الزوج یقوم بأمر الزوجة و احتیاجات الزوجة»؛ که ابتدای آیه محصور به مسئله زوجیت می‌شود، یعنی به‌جای رجال باید بگذاریم أزواج و به جای نساء باید بگذاریم زوجات، صدر آیه محصور به زوجیت می‌شود.

اما اگر گفتیم این تعلیل «بما فضل الله بعضهم على بعض»، یک عمومیت و اطلاقی دارد. معنای اطلاق این است که این

«الرِّجَالُ» اختصاص به زوج و زوجه ندارد. نتیجه‌ی دوم اطلاق این است که قوام بودن دیگر فقط در امر زوجیت نیست، مرد بر زن قوام است، حتی آنجایی که زوج و زوجه هم نباشند. اگر ما اطلاق را فهمیدیم و صدر آیه را از دایره زوجیت خارج کردیم، آنجا دیگر چاره‌ای نداریم که قوام را توسعه بدهیم؛ می‌شود معنای سلطنت و معنای ولایت و معنای سلطه.

پس ما اگر بخواهیم «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را از دایره زوجیت خارج کنیم، یعنی آن را توسعه دهیم و شامل زوج و زوجه و غیر اینها کنیم و قوام هم معنای سلطنت و تسلط و اولویت و اینها پیدا کند، باید «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» را به همین بیان مرحوم علامه طباطبایی معنا کنیم و بگوییم اطلاق دارد و خدا ذات مردان را بر ذات زن‌ها تفضیل داده است. اگر این را استفاده کنیم و بگوییم این «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» خودش یک علت مستقله است؛ آن «بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، می‌خواهد باشد، می‌خواهد نباشد، می‌خواهند اتفاق کنند می‌خواهند نکنند، بگوییم آیه دو علت را می‌گوید، یک علت ذاتی این است که خدا ذات مردان را بر ذات زن‌ها تفضیل داده، علت دوم هم یک علت اکتسابی است، مردان پول می‌دهند به زن‌ها، نفقه‌شان را می‌دهند، مهرشان را می‌پردازند. حالا در اینکه آیا دو علت است یا یکی، بحث داریم. اول می‌خواهیم «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ»، را روشن کنیم.

نظر مفسرین

من ابتدا عبارت برخی از مفسرین مثل مرحوم علامه، صاحب مجمع البیان و مرحوم فیض را عرض کنم که ببینیم نظر اینها چیست؟ بعد آنچه را خود ما استفاده می‌کنیم بیان کنیم.

در مجمع البیان می‌گوید «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» قوام با قیم یک معنا دارد. «قیمون؛ مسلطون علیهن» اینها مسلط هستند، «فی التدبیر»، تدبیر امور اینها «و التأدیب» تأدیب زن‌ها، بخواهند زن‌ها را ادب کنند و همچنین تعلیم و ... تا آخر ایشان بیان کرده است.

بعد به کلمه‌ی «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» که مرحوم طبرسی رسیده اینطور معنا فرموده، یعنی «من زیادة الفضل علیهن»؛ مردها فضلشان بر زن‌ها بیشتر است، «بالعلم و العقل و حسن الرأي و العزم» علمشان بیشتر است، مخصوصاً در آن زمان، عقلشان کامل‌تر است، رأیشان پسندیده‌تر است، آدم‌هایی هستند که می‌توانند تصمیم بگیرند.

این نکته را داخل پراگندگی عرض کنم؛ آن تعبیراتی که دارد «إياکم و مشاورة النساء»، یک معنایش همین است که نه اینکه مشاورت نساء ضرر دارد، برای اینکه زن، بیشتر آدم را در تردید می‌اندازد؛ آنها نمی‌توانند تصمیم بگیرند. در مشورت انسان باید با کسی مشورت کند که قدرت تصمیم‌گیری دارد، و إلا اگر او هم مثل خود انسان مردد باشد، فایده‌ای ندارد. پس مرحوم صاحب مجمع البیان «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» را به تفضیل از جهت علم، عقل، حسن رأی و عزم معنا کرده است.

مرحوم ملا محسن فیض در صافی، فرموده «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» یعنی «بسبب تفضیله الرِّجَالِ علی النساء بکمال العقل و حسن التدبیر»، عقل مردها کامل‌تر است و حسن تدبیر دارند. منتها ایشان مسئله قوت بدنی را هم اضافه کرده است. «و مزید القوة فی الاعمال و الطاعات».

شیخ طوسی در تبیان، جلد سوم، صفحه 189 فرموده: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بالتأدیب و التدبیر لما «فَضَّلَ اللَّهُ» الرجال علی النساء فی العقل و الرأي». این هم مرحوم شیخ در تبیان آورده است.

مرحوم علامه در المیزان، جلد 4، صفحه 343 فرموده «و المراد بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ هو ما يفضل و یزید فیہ الرجال بحسب الطبع علی النساء، و هو زیادة قوة التعقل فیهم، و ما یتفرع علیه من شدة البأس و القوة و الطاقة علی الشدائد من الأعمال

و نحوها».

این چهار متن تفسیری که در «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ](#)» گفته‌اند یعنی خداوند اینها را در این امور تفضیل داده است.

حالا در بعضی از تفاسیر دیگر این تعبیر آمده که «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ](#)» از باب این که در بین مردها خداوند نبوت و امامت را قرار داده و اینها را به زن‌ها نداده است.

نقد استاد محترم بر این قول

اولین اشکال بر این کلام این است که این تفاسیر، همه مقتبس از یکدیگر است. مجمع البیان از شیخ طوسی گرفته، ملامحسن از مجمع البیان گرفته و ظاهراً مرحوم علامه هم از اینها اقتباس فرموده است. در هیچیک از تفاسیر برای این تعبیر دلیل نیاورده‌اند!

سؤال ما این است که «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ](#)» یعنی چه؟ بگوئید تفضیل در علم، به چه دلیل؟ تفضیل در عقل، به چه دلیل؟ حسن رأی و عزم، به چه دلیل؟ این یک چیزی است که انسان احساس می‌کند آنچه که در ذهن شریف این مفسرین بوده که اصلاً به عنوان یک اصل موضوعی تفضیل رجال بر نساء را مسلم گرفته‌اند، ملاک‌هایش را هم خودشان تنظیم کرده‌اند: عقل، علم، حسن رأی و هکذا.

پس اولین اشکال این است که اصلاً برای این تفسیر، نه از لغت و نه از روایت، دلیل و شاهی اقامه نکرده‌اند.

اشکال دومی که در اینجا است این است که ببینیم اگر دلیل را این قرار دادیم «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ](#)» حالا گفتند «آن بما أنفقوا»، این‌ها را بعد باید بحث کنیم که آیا دلیل دوم است و یک تعبیر مستقلاً است یا تعبیر مستقلاً نیست. اگر مصداق «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ](#)» را علم قرار دادیم، مگر علم اسناد به خداوند دارد؟! یعنی مرد که می‌رود علم پیدا می‌کند، اینجا باید بگوییم خدا این را بر زن تفضیل داد؟ «[فَضَّلَ اللَّهُ](#)» یا باید یک چیز ذاتی باشد. می‌شود گفت که خدا ذات مرد را قوی‌تر از زن قرار داده است؟ اگر این باشد، می‌شود تفضیل؛ خدا ذات مرد را عاقل‌تر قرار داده است، اگر اینطور باشد این می‌شود تفضیل. اما علم را چگونه می‌توانیم به خدا اسناد دهیم؟ در همه‌ی اینها کلمه‌ی علم آمده است. الان از ما سؤال کنند «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ](#)» چیست؟ این بزرگان و ارکان مفسرین ما هستند، بقیه هم از همین‌ها گرفته‌اند.

این تعبیر مجمع البیان است «من زیادة الفضل علیهن بالعلم» ما نمی‌توانیم علم را به خدا اسناد دهیم، چه بسا مردانی که در علم، بسیار جاهل هستند و زن مقدم بر اوست. علم یک چیز ذاتی نیست، یک چیز اکتسابی است، باید بروند اکتساب کنند، هم قدیماً و هم حدیثاً، هم برای مرد اکتسابش ممکن است و هم برای زن ممکن است. حالا کلمه‌ی عقل را که باز آورده‌اند، این اشکال اول که گفتیم چه شاهی داریم؟

پس اشکال دوم این است که بالاخره بعضی از این تفضیل‌ها که داده شده ذاتی نیست.

اشکال سوم این است که در بعضی از تفاسیر در «[بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ](#)» گفته‌اند چون خداوند به اینها نبوت و امامت و اینها داده است. آیا اگر ما اینطور تفسیر و معنا کنیم، این می‌تواند تعلیل برای «[الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ](#)» باشد؟ خیر. چرا که مگر به چند درصد مردها خداوند نبوت و امامت را داده؟ در میان خود مردها ما می‌توانیم بگوییم «إن الله اصطفى» پیامبر را اختیار کرده، آدم و نوح و ... را از میان دیگران برگزیده است. ما نمی‌توانیم بگوییم از آنجا که خداوند نبوت را به رجال داده، این دلیل بر این است که کلّ رجال، قوامون و قیّمون بر کلّ نساء هستند. شما این را دقت کنید.

بحث این است که الان از شما سؤال کنند «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» مدعاست. دلیل چیست؟ «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ». وجه تفضیل چیست؟ این است که خدا به اینها در میان اینها نبوت و امامت را قرار داده است، این می تواند تعلیل باشد؟! نه، این فقط می تواند دلیل باشد که چرا در میان رجال بعضی بر بعضی مقدم هستند، اما نمی تواند دلیل باشد که چون در میان صد میلیون و بیست و چهار هزار که عنوان رسالت و نبوت داشتند این دلیل شود بر اینکه کل رجال، قوام هستند بر کل نساء. اینها هیچ کدام نمی تواند دلیل باشد.

نظر نهائی استاد محترم

از ما سؤال بفرمایید که شما این «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» را چه معنا می کنید؟ آن آیه 32 را که خواندیم و شأن نزولش را هم گفتیم، عجیب این است که اصلاً «القرآن یفسر بعضه بعضاً» اینجا کاملاً پیاده می شود. در آیه 32 دارد «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»، این طبق آن شأن نزولی که خواندیم به دنبال اعتراض مربوط به آیه ی ارث بوده، یعنی در همان زمان پیامبر - حالا این روش فکری امروز که فکر می کنند این شبهه ها را حالا به عقل تاریک خودشان رسیده اند، خیر، در همان زمان پیامبر بوده و عجیب این است که خود زن ها هم اعتراض کرده اند، نه فقط محارم، ام سلمه اعتراض کرده، یک شخص دیگری هست به نام وافدة النساء، که این وافدة النساء یا اسم زنی است یا یک زنی به نمایندگی از زن ها آمده بوده خدمت پیامبر و اعتراض کرده، که چرا زن، نصف مرد ارث ببرد؟

آن وقت به دنبال این تمنی می کرده اند که کاش ما مرد بودیم، تمنی می کردند مردها که کاش حسنات ما دو برابر بود، دنیا به چه درد ما می خورد. پس این «مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ» یعنی همان مسئله ارث، منحصر در همان است.

تفضیل در علم و عقل و حسن رأی و نبوت و اینها چیزهائی است که ما شاهدهی نداریم.

خود این «مَا فَضَّلَ اللَّهُ» مربوط به این است، لذا دنبالش خداوند دارند «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا»؛ مردها هرچه گیرشان آمد زن ها هم هر چه گیرشان آمده است.

نکته ی مهم این است که گاهی اوقات زن ها سؤال می کنند که خوب چرا ما نصف مردها ارث ببریم؟ خداوند خودش جواب داده است در آیه «وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» فضل خدا که محدود نیست! خدا عنایت کرد پدر مُرد، اموالی به تو رسید، خب حالا عنایت می کند که از یک راه دیگر هم به تو که حالا کمتر ارث رسیده مالی برسد.

تعبیر یکی است، آن هم نه اینکه یک آیه اول قرآن باشد، ما تازه بعضی از آیات اول قرآن را مفسر آیات آخر قرآن یا بالعکس قرار می دهیم. سه تا آیه است می فرماید: «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»، این آیه 32 است و آیه 34 دارد «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»؛ یعنی خداوند می فرماید حالا که من سهم الارث شما را دو برابر زن ها قرار داده ام، بر شما واجب است عهده دار کارهای زن ها باشید، بر شما واجب است خرج کنید. هم به آن پولی که از راه تفضیل و عنایت خدا به شما بیشتر می رسد و هم «بِمَا أَنْفَقُوا» یعنی از همین مهوور و نفقاتی که شما دارید خرج می کنید برای زن ها.

ما باشیم و آیات شریفه ی قرآن، هرگز مسئله ی سلطنت را نمی شود استفاده کرد، ما اگر بخواهیم تفضیل ذاتی را بگوییم، با «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» منافات دارد. اگر مرد تفضیل ذاتی علم، حسن رأی، عقل و ... را دارد، پس ملاک فقط تقوا نباید باشد. آیه ی «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، یعنی فقط تقواست، چیز دیگری نیست.

یک عنایت ذاتی را مثال بزنم؛ خداوند یک عنایت ذاتی می‌کند و شخصی را پیامبر قرار می‌دهد، بعد بخواهد بفرماید جناب پیامبر، تو و این آدم معمولی اگر من بخواهم بگویم کدامتان اَکرم نزد من هستید، این به وسیله‌ی تقواست. این درست است؟ اگر خود خدا یک عنایت ذاتی کند «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»، که در محل خودش می‌گویند این اراده، اراده‌ی تکوینی است، حالا خداوند بگوید ائمه معصومین(ع) که به اراده‌ی تکوینی حق تعالی رجس از درون اینها دور شده، این ائمه(ع) با دیگران اگر بخواهند در ترازو قرار دهند، فقط تقوا ملاک است. اینجا نیست! این «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» در جایی است که مسئله تفضیل ذاتی خدا نباشد.

پس اینجا ما شاهد بر این می‌شویم که این «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ» باید همان باشد که خود خداوند عنایت کرده، فضل - که یک زیادی است - کلمه‌ی فضل به عنوان زیادی هم هست. در باب ارث یک اضافه‌ای را خداوند برای مردها قرار داده است، این اضافه را هم در همین دو آیه بعد می‌گوید اضافه دادم، فکر نکنید که شما حالا من خیلی خوشم آمده از شما، در مقابلش وظیفه دارید که قوام علی النساء باشید.

حالا این را باز یک دقت بیشتری بفرمایید، بالاخره ما نمی‌توانیم بگوییم که قرآن را ما یقیناً داریم می‌فهمیم، که آیا اینکه ما عرض کردیم قرینیت دارد یا ندارد؟

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين